فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۲، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۹۱-۶۲

مقاله پژوهشی

شناسایی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی با روش تحلیل محتوا

(مورد مطالعه: شهر بیرجند)

علیرضا مرادی[1]؛ ثنا نوری مقدم[2]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

چکیده

امروزه یکی از شایع‌ترین مشکلات بهداشت عمومی در سراسر دنیا «خشونت خانگی» است که دربردارندهٔ مؤلفه‌های کودک‌آزاری، همسرآزاری و بدرفتاری با سالمند می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت در زمره تحقیقات تحلیلی می‌باشد و روش تحقیق آن کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبهٔ نیمه ساختاریافته و مراجعه به اسناد و مدارک بوده است. روش نمونه‌گیری نیز روش هدفمند می‌باشد. جامعهٔ هدف پژوهش حاضر شامل نخبگان علمی و عملیاتی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی اعم از هیأت رئیسه، فرماندهان پلیس‌های تخصصی، مدیران کل عملیاتی و اساتید علمی و کلیهٔ همسران خانواده‌هایی می‌باشند که به دلیل خشونت خانوادگی به مراکز مشاورهٔ کلانتری‌های شهر بیرجند در سال ۱۴۰۱ مراجعه نموده‌اند. تعداد مشارکت‌کنندگان شامل ۲۷ نفر از نخبگان علمی و عملیاتی شهر بیرجند و همسران آسیب دیدهٔ خشونت خانگی (به دلیل رسیدن به اشباع نظری) می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده و تحلیل‌های صورت‌گرفتهٔ حاصل از کدگذاری‌های باز و محوری و گزینشی، عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. با توجه به بررسی‌های صورت

[1] . استادیار و رئیس گروه علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران. (نویسندهٔ مسؤول). dr.alirezamoradi57@gmail.com

[2] . استادیار، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

s.nourimoghadam@ped.usb.ac.ir

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

گرفته و نتایج حاصل از تحقیق حاضر، لزوم توجه مسؤولان ذی‌ربط به این مسأله و آموزش خانواده‌ها و افراد جهت آشنایی با تبعات روانی و اجتماعی رفتارهای خشونت آمیز بیش از پیش اهمیت دارد.

واژهای کلیدی: اجتماعی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ بیرجند؛ خشونت خانگی.

مقدمه

خانواده به عنوان عنصر اساسی جامعه شناخته می‌شود. خانواده به طور ایده‌آل به عنوان پناهگاه عشق، مراقبت، محبت و رشد شخصی در نظر گرفته می‌شود، جایی که افراد باید احساس امنیت و محافظت کنند. اما خشونت، سوء استفاده و پرخاشگری در محدودهٔ خانه به طرز نگران کننده‌ای رایج است (لانچیمبا و همکاران[1]، ۲۰۲۳: ۲). یکی از مسائل و آسیب‌های مهم در حوزهٔ خانواده در ایران، خشونت خانگی است (کاظمی و قاسمی، ۱۴۰۲: ۱۳۷).

خشونت خانگی شامل هر شکلی از رفتار خشونت آمیز شامل اعمال تهدید، اجبار و سلب آزادی علیه اعضای خانواده است که منجر به آسیب جسمی، جنسی یا روانی افراد می‌شود. خشونت خانگی به عنوان یک مشکل بهداشت عمومی شناخته شده است که همهٔ کشورها را تحت تأثیر قرار می دهد. خشونت خانگی در خانواده رخ می‌دهد و بر والدین و فرزندان تأثیر می‌گذارد. هنگامی که اعمال خشونت‌آمیز در حضور کودکان رخ می دهد، صرف نظر از این که آیا آنها به طور مستقیم آسیب فیزیکی را تجربه می‌کنند یا صرفاً شاهد خشونت هستند، عواقب آن می‌تواند به طور عمیق مضر باشد (لانچیمبا و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). بدرفتاری با کودکان با شماری از نشانه‌های جسمانی در دوران بزرگسالی مرتبط است. شایع‌ترین اختلالات روانی مرتبط با خشونت خانگی، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه است. خشونت خانگی ارتباط قدرتمندی با رفتارهای مرتبط با خودکشی، اختلالات خواب و خوردن و ناکارآمدی اجتماعی، وخیم شدن علائم روان‌پریشی و سوء مصرف الکل و مواد دارد (پور نقاش تهرانی و قلندرزاده، ۱۳۹۷: ۳۳۸).

آمار ثبت شدهٔ خشونت خانگی شامل همسرآزاری و کودک آزاری در سال ۱۴۰۰ حدود ۷۵ هزار مورد بوده است که این میزان معادل ۳۷ درصد کل آمار انواع معاینات در پزشکی قانونی بوده است. همچنین همسرآزاری و کودک‌آزاری، مواردی هستند که زیر عنوان خشونت خانگی قرار می‌گیرند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۱). بر اساس یک نظرسنجی ملی، خشونت علیه زنان در ۲۸ استان ایران، ۶۶ درصد گزارش شده است. شیوع خشونت خانگی در قالب خشونت جسمی و روانی به ترتیب

[1] .Lanchimba, et. al

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

۵۸/۵ در صد و ۸۳ در صد بوده است (بایرامی و وفایی نجار، ۲۰۲۰: ۱۳٤). خشونت خانگی علیه زنان به یک منطقهٔ خاص جغرافیایی و یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه بستگی ندارد و می‌توان آن را در همهٔ جوامع و تمامی لایه‌های اجتماعی مشاهده کرد. خشونت خانگی هر چند مسأله‌ای فراگیر است و در تمام جوامع و همهٔ زیرگروه‌های اجتماعی و جمعیتی وجود دارد، اما شیوع آن تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (کاظمی و قاسمی، ۱٤۰۲: ۱۳۹).

تحقیقات نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی، فرهنگ اجتماعی، حمایت اجتماعی پایین، سطح تحصیلات پایین، اعتیاد و فقدان مهارت‌های زندگی می‌تواند منجر به شیوع خشونت خانگی در بین زوجین ایرانی شود (بایرامی و وفایی نجار، ۲۰۲۰: ۱٤۲). شواهد نشان داده‌اند که فقر، اعتیاد، اختلالات روانی زمینه‌ای، بزهکاری، ناباروری قربانی، تفاوت های خانوادگی و فرهنگی، ناتوانی در ایجاد روابط عاطفی، سطح تحصیلات پایین، درآمد ماهانهٔ پایین، روابط جنسی پرخطر و نادیده گرفتن قوانین اخلاقی (دستجردی و همکاران، ۲۰۲۰: ٤۷٦)، مشکلات اقتصادی و سوء مصرف مواد/الکل (رهنوردی و همکاران، ۲۰۱۷: ۳٦۳۷)، سابقه بیماری روانی در زن و شوهر، سن زن و شوهر، وجود فرزند معلول در خانواده، سطح تحصیلات زن، تعداد دفعات ازدواج و شغل شوهر (ترکاشوند و همکاران، ۱۳۹۲: ٦۹۵)، از جمله عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی هستند.

ناامیدی اقتصادی مردان یا ناتوانی آنها در برآورده کردن انتظارات اجتماعی مبنی بر «سرپرست بودن» نیز عامل مهمی است که در ارتکاب خشونت فیزیکی و جنسی در داخل خانه نقش دارد. ناامیدی ناشی از مشکلات اقتصادی، در کنار هم با استفادهٔ مکرر از مواد مخدر و الکل، احتمال رفتار خشونت آمیز را تشدید می کند. شناسایی عوامل تعیین‌کننده، گامی حیاتی به سوی درک ماهیت پیچیده خشونت خانگی است. پیامدهای خشونت خانگی فراتر از قربانیان است و بر رفاه کلی و ساختار اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد. درک تأثیر متقابل بین این عوامل و خشونت خانگی برای توسعهٔ مداخلات هدفمند و سیستم های حمایتی برای کاهش خشونت و پیامدهای آن ضروری است. بنابراین، بررسی عوامل مختلفی که به خشونت خانگی کمک می‌کنند، به منظور اطلاع از راهبردهای پیشگیری و مداخله مؤثر، حیاتی است (لانچیمبا و همکاران ، ۲۰۲۳: ٤). به نظر می رسد خشونت، موضوعی حیاتی است که برای ارائه راه حل های مؤثر و نوین متناسب با نیازها و بستر جوامع، نیازمند تحقیقات بیشتر است (دستجردی و همکاران، ۲۰۲۰: ٤۷۲). یافته‌های تحقیق حاضر پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران، دست اندرکاران و پژوهشگران درگیر در رسیدگی به خشونت خانگی دارد. با شناسایی عواملی که بر خشونت خانگی مؤثرند، می‌توان

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

مداخلات هدفمند و سیستم‌های حمایتی را برای پاسخگویی مؤثر به چالش‌های منحصربه‌فرد نا شی ازخ شونت خانگی ایجاد کرد. همچنین از آنجایی که و ضعیت خ شونت خانگی در ا ستان خرا سان جنوبی و به ویژه شهر بیرجند که مرکز ا ستان می‌با شد، منا سب نبوده ا ست و آمارهای خشونت خانگی در این استان نسبت به سال قبل افزایشی بوده است (عرب نژاد، ۱۳۹۷) و به گفتهٔ مدیرکل بهزیستی ا ستان، آمار کل تماس‌ها با اورژانس ۱۲۳ در سال گذ شته ۲ هزار و ۱۲٦ مورد بوده است و امسال در ۸ ماههٔ اول یک هزار و ۹۷۰ مورد تماس، فقط مربوط به خشونت‌های خانگی بوده است که شامل کودک آزاری و همسرآزاری، زنان و دختران آسیب دیده و اختلافات خانوادگی است و بیشترین تماس‌ها را در برداشته است. همچنین آمارهای مراجعین خشونت خانگی به مراکز م شاوره در شهر بیرجند حاکی از آن ا ست که بدرفتاری ج سمی و عاطفی ٥٤١ مورد، مشکلات ناشی از دخالت خانواده‌ها ۱۹۸ مورد، روابط سرد و خشک۱۵۱ مورد وضعف در مهارت‌های زناشوی ۲۳ مورد بوده است (بهزیستی و معاونت فرهنگی اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی، ١٤٠١)، لذا با عنایت به موارد ذکر شده ونتایج تحقیقات پیشین درخصوص تأثیر عوامل متعدد بر خشونت خانگی، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی در شهر بیرجند کدامند؟

پیشینهٔ تحقیق

تعریف خشونت خانگی

در منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از خشونت خانگی ارائه شده است. گلز و اشتراوس[1] دو پژوهشگری که سال‌ها در زمینهٔ خشونت خانوادگی فعالیت کرده‌اند، معتقدند خشونت خانگی رفتاری با قصد آشکار (رفتاری با قصد پوشیده اما قابل درک) برای واردکردن آسیب بدنی به فرد دیگر است (گلز و اشتراوس، ۱۹۷۹، به نقل از عبدالله‌زاده،۱۳۹۰: ٤٨). انجمن روان‌شناسی آمریکا (۱۹۹٦)، در تعریف خشونت خانگی بیان می‌کند که خشونت در بین همسران، یک الگوی سوءاستفادهٔ رفتاری است که شامل سطح گسترده‌ای از بدرفتاری‌های روانی، فیزیکی و جنسی است (تارس[2] و همکاران،۲۰۱۰).

یکی از بهترین تعاریف خشونت خانگی را شوکر و آن‌کاتلی[3] (۱۹۹٦) و همچنین بارنت، میلر و پرین[4] (۱۹۹۷) ارائه داده‌اند. آن‌ها به‌طورکلی خشونت خانگی را الگویی از رفتارهای

[1] Ghlaz & Shtravs
[2] Torres, et. al
[3] Shuker & Ann Catley
[4] Barnett, Miller & Perrin

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]
[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، جنسی و روانی و همچنین فشار و تهدید اقتصادی که افراد علیه جفت (شریک) صمیمی شان بکار می‌برند، تعریف کرده‌اند. خشونت خانوادگی در تمام سنین، جنسیت‌ها، قومیت‌ها، زمینه‌های آموزشی و گروه‌های اقتصادی اجتماعی رخ می‌دهد و تاکنون مطالعات قابل توجهی در زمینهٔ شناسایی و فهم انواع مختلف بدرفتاری با اعضای خانواده و افراد صمیمی در کشورهای مختلف صورت گرفته است و یافته‌های متنوعی ارائه داده‌اند (گلس[1]، ۱۹۹۵). تعریفی که در این تحقیق از خشونت خانگی مورد نظر است، به این شرح است: خشونت خانگی، الگویی از رفتار یک عضو خانواده علیه زن متأهل که باعث آزار و آسیب جسمی و یا روحی وی گردد.

فیض‌اللهی(١٤٠١) در پژوهشی با عنوان « مطالعهٔ جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: شهر ایلام)»، به این نتیجه دست یافت که واکنش‌های زنان عمدتاً انفعالی بوده است و عادی‌انگاری نقش قربانی منفعل برای زنان، پیامد آن است. از برآیند مقوله‌ها، مقولهٔ هستهٔ «خشونت خانگی علیه زنان محصول هم‌آیندی درماندگی تجربه شدهٔ زنان و تصورات مردسالارانه» حاصل شد که حاصل مدیریت خانواده در بستر حفظ کارکردهای سنت مردسالارانه در کنار انتقال ساختاری خشونت در سازوکاری فرهنگی و مبتنی بر جامعه‌پذیری جنسیتی است.

مرادی و چارداولی (١٤٠١)، درپژوهشی باعنوان «پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی در زنان خانه‌دار» به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های طرحواره‌های جنسی با گرایش به خشونت خانگی، رابطهٔ معکوس معنی‌داری داشته است و در طراحی پروتکل های مداخله‌ای و درمانی جهت کاهش خشونت خانگی به این آموزش و افزایش خود آگاهی در مورد طرحواره‌های جنسی توجه لازم مبذول گردد.

یاری نسب و امینی (١٤٠١) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطهٔ مهارت‌های ارتباطی بر خشونت خانگی در زنان» به این نتیجه دست یافتند که برخورداری زنان از مهارت‌های ارتباطی، می‌تواند در کاهش خشونت همسران علیه آنان مؤثر باشد.

رحیمی و شاکری، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با نزاع- درگیری فردی (مورد مطالعه : شهروندان بالای ۱۵سال شهر سنندج)» در سال ۱۳۹۷ انجام داده‌اند، نتایج پژوهش حاکی از متفاوت بودن میانگین متغیر میزان نزاع و درگیری فردی بر حسب متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال، نوع اشتغال و پایگاه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

[1] .Ghlaas

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

زارع زاده و همکاران، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع - درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز)» در سال ۱۳۹۶ انجام داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از متفاوت بودن میانگین متغیر میزان نزاع و درگیری فردی بر حسب متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال، نوع اشتغال و پایگاه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

باندارا و همکاران[1] (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی و خودمسمومیت در سریلانکا» به این نتیجه دست یافتند که مداخلات چند بخشی برای رسیدگی به DV از جمله شناسایی پیشرفته در تنظیمات مراقبت‌های بهداشتی، استراتژی‌های مبتنی بر جامعه، و ادغام پشتیبانی DV و خدمات روان‌شناختی ممکن است رفتار خودکشی را در سریلانکا کاهش دهد.

جانسون و استیلیانو[2] (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «پاسخ‌های هماهنگ جامعه به خشونت خانگی: بررسی سیستماتیک ادبیات» به این نتیجه دست یافتند که این تغییرات، نتیجه‌گیری گسترده‌تر در مورد اثربخشی مداخلات CCR را برای محققان دشوار می‌کند. تحقیقات آتی باید شامل شناسایی پیامدهای اصلی باشد که می‌تواند در مطالعات مورد استفاده قرار گیرد تا امکان انجام مطالعات مقایسه و متاآنالیز را فراهم کند. همچنین نیاز به مطالعاتی وجود دارد که بر شناسایی مؤلفه‌های مداخلات CCR برای ایجاد نتایج مثبت حیاتی‌تر هستند.

هاگو و همکاران[3] (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مرتبط با خشونت خانگی در روستاهای بنگلادش» به این نتیجه دست یافتند که مداخلات ارتباطی تغییر رفتار ممکن است به تأثیر مثبت بر قدرت تصمیم‌گیری کمک کند، اما باید رویکردی جامع برای کاهش ناامنی غذایی اتخاذ شود، که برای آن مکانیسم اساسی ناامنی غذایی در بنگلادش باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

هاریس[4] (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «خشونت و مسؤولیت» به این نتیجه دست یافت که همهٔ ما مسؤول آسیب‌هایی هستیم که می‌توان از آن پیشگیری کرد و به بررسی تأثیر این نتیجه‌گیری بر اخلاق می‌پردازیم که این باور بنیادی را ایجاد می‌کند که اگر احتمالاً می‌توانیم از آن جلوگیری کنیم، نباید به دیگران آسیب برساند. یک نظریهٔ مسؤولیت تدوین و دفاع می‌شود که عواقب آن را در نحوهٔ زندگی ما و همچنین برای تعدادی از مشکلات در فلسفه اخلاقی، سیاسی و اجتماعی معاصر و در فقه به وجود می‌آورد. به ویژه، نویسنده به این دیدگاه حمله می‌کند که بین

[1] Bandara, et. al
[2] Johnson & Stylianou
[3] Haque, et. al
[4] Harris

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]
[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

کشـــتن و اجازه‌دادن به مرگ یک تفاوت اخلاقی وجود دارد و برداشـــتی بنیادی از خشـــونت را پیشـــنهاد می‌کند. از دیگر موضـــوعات بحث برانگیز در این کتاب بی طرفی، اخلاق پیوند عضـــو و تخصیص منابع کمیاب است.

پتر سون و اک[1] (۲۰۱۸) در پژوه شی با عنوان «خ شونت سازمان‌یافته، ۱۹۸۹–۱۹۹۷» به این نتیجه دســت یافتند که ۱۵٪ از کل تلفات، ناشــی از خشــونت های ســازمان‌یافته اســت. در مورد بازیگران مشغول خشونت یک‌طرفه، تعداد آنها در طول سال ۲۰۱۷ نیز افزایش یافته است، اگرچه تعداد تلفات در همان سال ۲۰۱٦ باقی مانده است.

در بحث تحقیقات انجام شده، ا شاره به چند نکته ضرورت دارد: نخست اینکه پژوهش‌های فوق، بیشتر به مباحث جامعه شناختی خشونت خانگی، طرحواره مبتنی بر خشونت خانگی، مهارت‌های ارتباطی در خشونت خانگی و... پرداخته‌اند، حال اینکه پژوهش حاضر به عوامل مؤثر بر خشونت خانگی می‌پردازد. اکثر پژوهش‌های فوق، در خصوص جوامع آماری مختلف انجام شده است، اما این پژوهش بنا دارد به خانواده‌های آســـیب‌دیده از خشـــونت خانگی بپردازد.ســـوم اینکه اکثر پژوهش‌ها در قلمرو مکانی مختلف داخلی و خارجی صورت گرفته است در حالی که این پژوهش در صدد مطالعه بر روی خانواده‌های آ سیب‌دیده خ شونت خانگی در ا ستان خرا سان جنوبی اجرا شده است.

مدل مفهومی

با توجه به مبانی نظری و یافته‌های مطالعات پیشـین، مدل مفهومی تحقیق حاضـر، یک نمای کلی از عواملی را ارائه می‌دهد که پیو سته با خ شونت خانگی مرتبط بوده‌اند (نمودار شمارهٔ ۱). با بررســی و تجزیه و تحلیل این عوامل تعیین کننده، محققان پیشـرفت قابل توجهی در کشـف علل زمینه‌ای و عوامل خطر مرتبط با خشـــونت خانگی داشـــته‌اند. خشـــونت خانگی معمولاً از عوامل چندگانه و پیچیده نشـــأت می‌گیرد که ازجمله عمده‌ترین این عوامل می‌توان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره نمود. مدل مفهومی زیر، نشان‌دهندهٔ تأثیر سه عامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد.

[1] .Pettersson & Eck

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

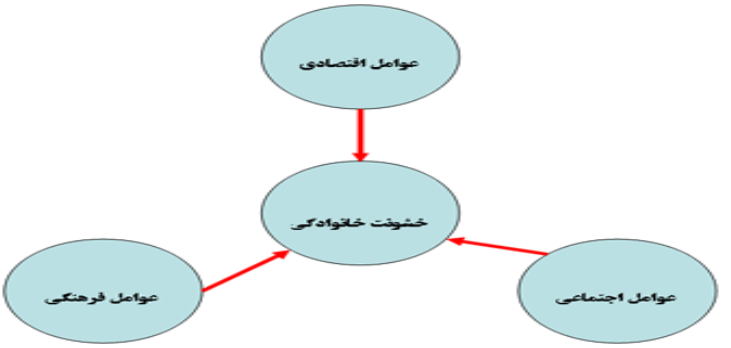

نمودار شمارهٔ یک- مدل مفهومی پژوهش

عوامل فرهنگی

شکی نیست که نوع نگاه به زن در جوامع مختلف، متفاوت است. به طور کلی، برخورد با زنان در جوامع مدرن نسبت به جوامع سنتی تفاوت فاحشی دارد؛ یعنی در جوامع مدرن، تلاش زیادی برای دستیابی زنان به حقوق‌شان صورت گرفته است و نوع نگاه، به تدریج انسانی‌تر گشته است؛ اما در جوامع سنتی، طرز دید مرد سالارانه و نوع رویکرد استوار بر استبداد، هنوز به قوت خود باقی است. این طرز تفکر به رسم و رسوم شکل بخشیده است که به زنان به عنوان جنس دوم و در مواردی به عنوان دارایی مرد نگاه می‌کند. معمولاً جوامع، صفاتی چون خشن بودن، قوی بودن، سنگدل بودن، مستقل بودن و توانایی خطر کردن را جزء ویژگی‌های مرد و در مقابل، مطیع بودن، ساکت بودن، خجالتی بودن و وابسته بودن را از ویژگی‌های قابل پسند زن؛ تلقی می‌کنند . علاوه بر این اهمیت دادن بیشتر به فرزند پسر، بالابردن اهمیت مردان، زندگی مشترک دو یا چندین خانواده به علاوه سطح بالای بی سوادی، در شدت بخشیدن خشونت علیه زنان نقش داشته است (منیر و همکاران، ۱۳۸۸).

عوامل اجتماعی

علل بروز خشونت در خانواده علیه زنان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. عوامل اجتماعی خشونت همگی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مربوط می شود. دلایل عمدهٔ خشونت از بعد اجتماعی را می‌توان در عواملی نظیر وجود زمینه‌های فرهنگ خشونت در جامعه، بحران معنویت، فقر، نابرابری اجتماعی، بیکاری و اعتیاد شوهر وغیره نام برد. عوامل ساختاری- اجتماعی مانند سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی-

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]
[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

اجتماعی، تحصیلات و نژاد از دیگر عوامل مؤثر در خشونت خانگی هستند. بنابراین خشونت خانگی مفهومی چند بعدی است که بایستی از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد (شوکتیان و همکاران، ۱٤۰۱: ۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانگی شامل موقعیت اقتصادی، فرهنگ و ارزش ها و حمایت اجتماعی خانواده می‌باشد. حمایت اجتماعی و خانوادگی در کاهش بروز خشونت خانگی نقش دارد (بایرامی و وفایی نجار، ۲۰۲۰: ۱۳٦).

عوامل اقتصادی

اقتصاد ناکارآمد یک جامعه نتایجی چون فقر، فاصلهٔ طبقاتی زیاد، عدم امکان اشتغال زنان و حتی مردان (که همواره در اولویت کاری قرار دارند)، شرایط کاری نابرابر و ... خواهد داشت. بیکاری مردان به عنوان سرپرستان مالی خانواده و فشارهای عصبی ناشی از عدم پاسخگویی به مایحتاج زندگی باعث می‌شود که مرد برای تخلیهٔ این فشار و یا برای تثبیت موقعیت خود به عنوان رئیس خانواده دست به اعمال خشونت علیه اعضای خانه و مخصوصاً زن بزنند. از سوی قدیگر نابسامانی‌های اقتصادی، عامل آسیب‌های دیگر نظیر سرقت، تکدی‌گری، فحشا، خودفروشی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر است. چندان‌که نفس این اعمال خشونت‌زاست و حتی می‌تواند عامل خشونت خانگی غیرمستقیم باشد؛ به این معنی که زنی را که در خانهٔ پدر گرفتار چنین مصائبی نبوده است، دچار افسردگی در اجتماع می‌کند که خود نوعی خشونت روانی است. وقتی زن شاغل باشد و مرد بیکار، از آنجا که مرد خود را در موقعیت شغلی و اجتماعی پایین‌تری نسبت به زن می‌بیند، برای سرپوش گذاشتن بر احساس حقارت خود، دست به پرخاش و ضرب و شتم می‌زند (برخوری مهنی، ۱۳۸۹: ۸۷).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. جامعهٔ هدف پژوهش حاضر، شامل نخبگان علمی و عملیاتی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی اعم از هیأت رئیسه، فرماندهان پلیس‌های تخصصی، مدیران کل عملیاتی و اساتید علمی و کلیهٔ همسران خانواده‌هایی که به دلیل خشونت خانوادگی به مراکز مشاورهٔ کلانتری‌های شهر بیرجند در سال ۱٤۰۱ مراجعه نموده‌اند، می‌باشد.

ملاک ورود نخبگان، تجربهٔ خدمتی در رده‌های مربوطهٔ استان، در دسترس بودن و آشنا به حوزهٔ استحفاظی استان خراسان جنوبی است. ملاک خروج، عدم تمایل به همکاری و نداشتن سابقهٔ بیش از دو سال در حوزهٔ استحفاظی بوده است.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، هدفمند است. تعداد ۲۷ نفر از نخبگان علمی و عملیاتی و افراد آسیب دیده به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. ابزار گردآوری مصاحبهٔ نیمه ساختاریافته و مراجعه به اسناد و مدارک می‌باشد. در این تحقیق، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار مکس کیودا[1] و به صورت کدگذاری انجام گرفته است. بر این اساس؛ این پژوهش با یک سؤال و پرسش واضح و مشخص شروع شده است و سپس با استفاده از مصاحبهٔ نیمه ساختاریافته، داده‌ها جمع‌آوری شد و کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها یا متن مصاحبه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

از معیارهای دقت در تحلیل محتوا می‌توان به قابلیت تأییدپذیری (تصدیق) و انتقال‌پذیری نام برد. قابلیت تأییدپذیری نشان دهندهٔ ارتباط داده‌ها با منابع و ظهور یافته‌ها و تفاسیر از این منابع است. قابلیت تأییدپذیری را می‌توان از طریق ارایهٔ روند پژوهش به طریقی که قابل پیگیری باشد، تضمین کرد (رمضانخانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱). در پژوهش حاضر برای ایجاد قابلیت تأییدپذیری از بازنگری ناظران استفاده شد. به صورتی که مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده توسط چند نفر از استادان با تجربه در زمینهٔ تحقیق کیفی مورد بررسی قرار گرفت. قابلیت انتقال‌پذیری به پارامترهای نظری پژوهش و قابلیت کاربرد به مجموعه‌ای از یافته‌ها در موقعیتی دیگر اشاره دارد. دیدگاه و تجربیات گوناگون مشارکت‌کنندگان مختلف در مورد یک پدیده، باعث افزایش قابلیت انتقال آن می‌شود (همان، ۱۴۰۰: ۷۱). در پژوهش حاضر برای افزایش قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها، پژوهشگر، توصیف روشنی از نحوهٔ انتخاب و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و جمع‌آوری داده‌ها ارائه نمود، تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر قضاوت نماید. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات مشابه در شرایط و جوامع دیگر مقایسه شد.

جدول شمارهٔ یک-اطلاعات جمعیت شناختی نخبگان

متغیر	سن خدمتی			سن				تحصیلات		جنسیت	
محدوده	دهه اول	دهه دوم	دهه سوم	۳۰-۳۵سال	۳۶-۴۰سال	۴۱-۴۵سال	۴۶-۵۰سال	کارشناسی ارشد	دکتری	مرد	زن
تعداد	۳	۲	۹	٤	۲	۳	۵	٤	۱۰	۵	۹

[1] Maxqda

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

جمع	١٤	١٤	١٤	١٤

از بین ١٤نفر از نخبگان و مدیران ارشد که مورد مصاحبه قرار گرفتند، سطح تحصیلات کارشناسی ارشد با ۲۹ درصد، کمترین و سطح تحصیلات دکتری با ۷۱ درصد، بیشترین فراوانی را داشتند. سن خدمتی افراد نمونه ب این شرح است که دهۀ سوم خدمت با ٦٤ درصد، بیشترین و ده، دوم خدمت با ١٤ درصد، کمترین فراوانی را دارا بودند. بیشترین فراوانی سنی ٣٦ درصد بود که بین دامنۀ سنی ٥٠-٤٦ سال و کمترین فراوانی ١٤درصد و در محدودۀ سنی ٤٠-٣٦ سال قرار داشتند. جنسیت بیشتر مصاحبه شوندگان با ٦٤ درصد، زن و کمترین با ٣٦درصد مرد بودند.

جدول شمارۀ دو- اطلاعات جمعیت شناختی همسران آسیب دیدۀ خشونت خانگی

متغیر	سن			سال ازدواج				تحصیلات				تعداد فرزند			
محدوده	٢٠-٣٠	٣١-٤٠	٤١-٥٠	زیر ٥ سال	٦-١٠ سال	١١-١٥سال سال	١٦-٢٠سال	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	بدون فرزند	١-٢ فرزند	٣-٥ فرزند
تعداد	٦	٥	٢	٥	١	٣	٤	٥	٥	٣	٢	٨	٣
جمع	١٣			١٣				١٣			١٣		

از بین ۱۳نفر از همسران آسیب دیدۀ خشونت خانگی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، سطح تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، هرکدام با ۳۸ درصد، بیشترین و سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر با ۲۳ درصد، کمترین فراوانی را داشتند.

بیشترین فراوانی سن مصاحبه شوندگان با ٤٦ در صد سن، بین ٣٠-٢٠ سال و کمترین فراوانی سن مصاحبه شوندگان با ١٥در صد در محدودۀ سنی ٤١-٥٠ سال قرار دا شتند. تعداد سال‌هایی که از ازدواج افراد می‌گذشت، در سال ازدواج بیشتر مصاحبه شوندگان با ٣٨ درصد در محدودۀ زیر٥ سال و کمترین سال ازدواج مصاحبه شوندگان با ٨در صد به محدودۀ١٠-٦ سال

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

ازدواج مربوط بود. همچنین، ٦٢ در صد شرکت کنندگان تعداد ۲-۱ فرزند و۱۵ در صد خانواده‌ها بدون فرزند بودند.

یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به این سؤال که عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی کدامند؟ از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده نمودیم. نتایج در جدول شمارهٔ ۳ و شمارهٔ ٤ گزارش شده است.

جدول شمارهٔ سه- کدگذاری متن مصاحبه‌ها

کدپاسخگو	متن پاسخ	کدگذاری باز
الف۱	یکی از مهم‌ترین ابعاد افزایش خشـــونت خانوادگی چه بر علیه زنان و چه بر علیه کودکان معمولاً مسائل اقتصادی و درگیری خانواده‌ها در این قضیه می‌باشد. مصداق بارز آن اقدام خانواده‌ها به کار اجباری فرزندان و ترک تحصـــیل آنها می‌باشـــد که گسترهٔ این مشکلات اقتصادی و درگیری زوجین در این باب، خشونت را دو چندان می‌کند، از روی، فرهنگ نامتعارف و عدم تساوی حقوق زنان و موانع قانونی در این خصوص، مشکل آفرین می باشد.	اقتصادی
الف۲	مسلماً مشکلات اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه باعث ایجاد مشکلات و عدم کامیابی و شـــکســـت در زندگی می‌شـــود که باعث ایجاد خشـــونت‌های خانوادگی می‌گردد .	اقتصادی-فرهنگی
الف ۳	عوامل زیادی موجب افزایش خشـــونت خانوادگی می‌شـــود که یکی از آنها بعد اقتصادی است. از طرفی عدم توانایی افراد در پرداخت هزینه‌ها باعث ایجاد درگیری فیزیکی و خشونت می شود.	اقتصادی
الف ٤	فقر فرهنگی و فقر اقتصـــادی باعث ایجاد تنش در خانواده و در نهایت ایجاد خشـونت خواهد شـد. عوامل اجتماعی زیادی باعث ایجاد خشـونت می شـود مثل عدم برقراری روابط صحیح اجتماعی	فرهنگی-اقتصادی اجتماعی
الف ۵	یکی از عوامل مهم بعد اقتصادی می‌باشدکه بیشترین و پررنگترین مسأله است که هم بر روی رفتار فرهنگی و هم بعد اجتماعی تأثیر می‌گذارد . وضـــعیت اقتصـــادی مناسب، سبب مناعت طبع و کنترل بعضی رفتارهاست. بعد فرهنگی یک جامعه هم نیز در افزایش خشـــونت خیلی مؤثر اســـت . فرزندانی که اعمال خشـــونت آمیز را شاهد هستند، به نسل بعدی منتقل می نمایند.	اقتصادی-اجتماعی فرهنگی

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

الف ٦	بعد فرهنگی، در شهر بیرجند به دلیل فضای بسته و وصلت‌های درون فامیلی سبب شـده اسـت که کمتر فرهنگ‌های مکان‌های دیگر را درون خود جا بدهد و از قدیم فرهنگ مردسالاری در بیرجند حاکم بوده است و هست. همین مسأله سبب می‌گردد که مرد هرگز فکر نکند زن یک انسـان همانند خود اوسـت. در فرهنگ بیرجند، زن مانند اموال و املاک، جزء دارایی فرد محسوب می شود. بعد اجتماعی و اقتصادی در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. بیشتر جوامعی که فرهنگ درست و بینش درستی در مورد مرد و زن دارند، مشکلات اقتصادی و اجتماعی، کمتر در برخورد و تعارض‌ها قرار می‌گیرد. در بیشـتر دانش‌آموزان دختر مشـاهده می‌گردد که مورد تعرض فامیل قرار گرفته‌اند و چون فرهنگ‌شـان اجازه نمی‌دهد که دفاع از خود نمایند، مهر سکوت بر لبان‌شان است. من با اکثر دانش‌آموزان که صحبت می‌کردم از هر ۲۰ نفر یک دختر معترف به این مشکل بود.	فرهنگی-اجتماعی اقتصادی
الف ۷	به نظر بنده، سـه بعد اقتصـادی، اجتماعی و فرهنگی، مهم و اثرگذار در خشـونت خانگی هستند	اقتصادی-اجتماعی فرهنگی
الف ۸	اقتصادی و فرهنگی و مردسالاری سه بعد مهم می‌باشد .	اقتصادی-فرهنگی
الف ۹	به نظر بنده، ابعاد مؤثر بر خشـونت خانگی عوامل زیادی می‌باشـد که می‌توان به عنوان نمونه به ابعاد فرهنگی و اقتصادی اشاره نمود.	فرهنگی-اقتصادی
الف ۱۰	با توجه به عملیات روانی، فرهنگی و اجتماعی دشـمن و تغییر باورهای دینی و اعتقادی مردم به خصـوص، در نگاه کانون خانواده از عوامل مؤثر در خشـونت خانگی می باشد.	فرهنگی-اجتماعی
الف ۱۱	ابعاد اقتصـادی و اجتماعی و فرهنگی، مهم‌ترین ابعاد در زمینهٔ خشـونت خانگی می‌باشد.	اقتصادی-اجتماعی فرهنگی
الف ۱۲	مهم‌ترین ابعاد که بیشترین تأثیر را در خشونت خانگی دارند، به نظر می‌رسد یکی بعد اجتماعی می‌باشد و دومی بعد اقتصادی می‌باشد.	اجتماعی-اقتصادی
الف ۱۳	آسیب های اجتماعی بر خشونت خانه و خانواده تاثیرگذار است	اجتماعی
الف۱٤	مهم‌ترین ابعاد در تأثیرگذاری بر خشـونت خانگی عبارتند از ابعاد اقتصـادی و فرهنگی	اقتصادی -فرهنگی

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

ب۱	عوامل زیادی در خشونت خانگی مؤثرهستند که مهم‌ترین ابعاد آن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.	اقتصادی-اجتماع فرهنگی
ب۲	به نظر بنده مسائل اقتصادی که تأثیر زیادی در معیشت و امور زندگی افراد دارند مهم‌ترین بعد و مؤثرترین بعد در خشونت خانگی می‌باشند و لذا اگر مسائل اقتصادی حل شوند، تا حد قابل قبولی خشونت‌های داخل خانه بین اعضای خانواده کاهش پیدا می‌نماید.	اقتصادی
ب۳	فرهنگ پائین در بعضی از خانواده‌ها علت مشکلات خانوادگی می‌باشد و از طرفی فقر اقتصادی و بی پولی نیز در این زمینه نقش پررنگ و قابل قبولی دارد.	فرهنگی-اقتصادی
ب٤	بی تعهدی و بی مسؤولیتی مردان نسبت به زنان . وقتی تعهدی در میان باشد، قطعاً مردها جهت متعهد بودن خود به آن فکر می‌کنند و کمتر دچار خشونت می شوند.	فرهنگی
ب۵	بی فرهنگی اگر در خانه و خانواده حاکم شد، مشکلات چند برابر خواهد شد و آسیب‌های ناشی از آن دامن اعضای خانواده را خواهد گرفت. از طرفی و ضعیت اقتصادی نامناسب خانواده باعث مشکلات و پرخاشگری در درون خانواده خواهد شد.	فرهنگی-اقتصادی
ب٦	وضع اقتصادی نامناسب افراد باعث ایجاد خشونت شده است و عدم پرداخت هزینه‌ها و ناسازگاری را به همراه خواهد داشت. ضعف فرهنگی نیز باعث ایجاد ناملایمات و عدم تعامل اجتماعی و خشونت خواهد بود.	اقتصادی-فرهنگی
ب۷	وضعیت بد اجتماعی و اقتصادی باعث ایجاد ضعف در زندگی زناشوئی و عدم مهارت ارتباطی می‌شود که شایسته است نسبت به درمان آن اقدام شود.	اجتماعی-اقتصادی
ب۸	به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی نقش پررنگی را در خشونت خانگی داشته باشند.	اقتصادی
ب۹	ابعاد اقتصادی و فرهنگی نقش چشم‌گیری در گرایش خانواده‌ها به خشونت خانگی دارند به دلیل اینکه اقتصاد و مسائل مالی، پایه و اساس زندگی می‌باشد، اما مسائل فرهنگی و باورهای شناختی که از فرهنگ شهری، روستائی سرچشمه می‌گیرد نیز نقش اثرگذاری دارد.	اقتصادی-فرهنگی
ب۱۰	شاید مسائل اقتصادی، مهم‌ترین مسألهٔ زندگی باشند و اثر زیادی در آرامش یا عدم آرامش افراد در خانه داشته باشند، اما از قدرت مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی نیز نباید غافل شد که در خشونت خانگی خیلی خیلی اثرگذار می باشند.	اقتصادی-اجتماعی
ب۱۱	ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی	فرهنگی-اجتماعی

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

		اقتصادی
ب۱۲	اگر ریشه‌ای به قضایا نگاه کنیم مسائل مالی و درآمد خانواده‌ها در ثبات زندگی‌ها نقش اساسی دارد و لذا می‌توانیم بگوییم که مهم‌ترین بعد در خشونت خانگی، بعد اقتصادی می‌باشد .	اقتصادی
ب۱۳	بیشتر خانوارها از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند و این مسائل در عدم آرامش آنان نقش به سزائی دارد که منجر به خشونت و دعوای خانوادگی می گردد. از طرف دیگر مشکلات اجتماعی که وجود دارد از عوامل اثرگذار مهم دیگر در این حوزه می‌باشد.	اقتصادی-اجتماعی

جدول شمارهٔ چهار- ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و راهکارها

عنوان	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	راهکارها
خشونت خانگی	اقتصادی	درآمد مردان	درآمد مردان یکی ازعوامل اقتصادی مهم و اثرگذار در خشونت خانگی می‌باشد. به این صورت که درآمد کم مردان باعث فشارهای اقتصادی در زندگی شده است و نهایتاً منجر به ناسازگاری زوجین شده است. در اثر این مطلب و به دلیل عدم تسلط مردان به زندگی، خشونت خانگی در محیط خانه به همراه خواهد داشت.	-حمایت بیشتر از مردان شاغل با افزایش حقوق آنان در شرایط تورم‌زای کشور. -تقویت کمک های خیرانه مساجد و مراکز خیریه برای خانواده هایی که مردان درآمد مکفی ندارند.
		درآمد زنان	در بعضی از خانوارها، به دلیل عدم توانائی جسمانی، روانی و عدم تمایل مردان، زنان به سرکار می‌روند و نان‌آور خانه می‌شوند. در صورتی که بعد مدتی ممکن است زن‌ها خسته می شوند و توانائی سرکار رفتن نداشته باشند یا درآمدشان برای ادارهٔ زندگی ناکافی باشد، به‌خصوص در خانواده‌هایی که مرد معتاد دارند، درگیری، دعوا، نزاع و خشونت خانگی بالا خواهد رفت.	-ایجاد تعاونی های خاص برای حمایت از شغل زنان. -ارائهٔ آموزش‌های لازم برای خانه‌داری، همسرداری و تربیت فرزند زنان شاغل.
		عدم اشتغال زنان	بعضی از مردان به دلیل عدم توانایی در ادارهٔ زندگی نیاز به کمک خرج دارند که زنان، در این خصوص همکاری نمی‌کنند و توان کارکردن ندارند و این	-حمایت، تشویق و تقویت مشاغل خانگی زنان.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

خشونت خانگی	اقتصادی	عدم اشتغال زنان	مسائل، مشکلات و درگیری به همراه خواهد داشت و در نهایت خشونت خانگی را افزایش خواهد داد.	-برگزاری کارگاه‌های مهارت محور ویژهٔ زنان خانه‌دار برای تولید محصولات محلی و سنتی و حمایت از آنان.
		اسراف و تبذیر	اسراف و تبذیر در زندگی مشترک از طرف یکی از زوجین و با مخالفت زوج دیگر از علت‌های خشونت و درگیری در خانواده است که در صورت عدم رعایت یکی از زوجین در امر اسراف و تبذیر ممکن است به مذاق دیگری خوش نیاید و درگیری و ناسازگاری زوجین بر اساس این عامل شروع شود و ادامه پیدا کند، کما اینکه مواردی بوده است که خشونت‌ها به علت همین امر بوده است.	-آموزش تعالیم و قوانین اسلامی در خصوص اسراف و تبذیر. -پیروی از الگوی مصرف اسلامی در خانواده. -ارائهٔ آموزش‌های صرفه‌جویی و قناعت. -ارائهٔ پیامدهای اسراف و تبذیر در خانواده و استفاده از الگوهای مناسب جهانی در حوزهٔ خانه و خانواده.
		مالکیت منزل مسکونی	از آنجائی که تورم در سال‌های اخیر رشد بالائی داشته است، خانواده‌هایی که منزل مسکونی برای خود نداشتند و مستأجر بوده‌اند، از این ناحیه ضربه خوردند و فشارهای مضاعفی را تحمل نموده‌اند. خانواده هایی که فاقد منزل مسکونی در این شهر بوده‌اند، به علت افزایش اجاره بها، توان اجاره را نداشتند و در صورت فشارهای وارده با زوج خود دچار مشکلات شدند و به ین صورت، درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به خشونت منتهی می‌شود.	-کمک به اقشار کم درآمد و مستأجر در جهت خانه‌دار شدن آنان. -تدارک منازل سازمانی به صرفه با اجاره بها مناسب به اقشار کم درآمد و بی بهره از منزل شخصی. -افزایش واحدهای مسکونی اجاره به شرط تملیک. -تقویت زیر ساخت‌ها و ابادانی محله‌های دور به مرکز شهر و تشویق خانواده‌ها جهت سکونت در آن.
		مصرف گرایی	در سالیان اخیر، میزان مصرف‌گرایی و اسراف و تجملات در جامعه رشد بی رویه داشته است و حاکم شدن این فرهنگ، حیات سالم بسیاری از خانواده‌ها را در معرض خطر قرار داده است. انسان‌ها زیبایی را دوست دارند، به زیبایی خود و محیط زندگی و کار اهمیت می‌دهند، اما این توجه زمانی که ازحد تعادل خارج شده است و وضعیتی وسواس و بیمارگونه پیدا کرده است و به عاملی خطر ساز برای آرامش روحی و اجتماعی تبدیل می شود. بنابراین، به نظر می‌رسد مصرف‌گرایی یکی از زوجین یا هردوی	-آموزش موارد زیر به خانواده‌ها با استفاده از شبکهٔ استانی و رسانه‌های دیداری، شنیداری و.... -قناعت، خویشتن‌داری، پرداخت حقوق مالی واجب و مستحب مثل خمس و انفاق، حفظ مال شوهر، پرهیز از اسراف، استفاده از طیبات، حلال‌خواری، توجه به ارزشمند بودن خانه‌داری با ابعاد اقتصادی آن، مانند تقدیر معیشت، ایجاد ارزش‌های افزوده در مواد خام.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

			آنها عاملی برای خشـونت خانگی و نزاع بین زوجین می‌باشد.	
خشونت خانگی	اجتماعی	بیکاری	بیکاری مرد و زن در خانواده ها، یکی از مهم‌ترین عوامل درگیری، عدم سـازش و خشـونت خانگی اسـت، چرا که در صـورت بیکاری زوجین، به خصـوص مردان در زندگی، مشـکلات اقتصـادی و اجتماعی دو چندان شـده اسـت و خانواده ها از پس مخارج هنگفت زندگی برنمی‌آیند و در نهایت مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری، خشونت بین زوجین و اعضای خانواده را به دنبال خواهد داشت.	-ایجاد اشتغال پایدار برای مردان. -افزایش حمایت‌ها از بیکاران. -حمایت از کارآفرینان. -توسعهٔ جهانگردی و گردشگری در شهرها و حتی روستاها به وسیلهٔ مردم محلی -حمایت دولت از کارآفرینی و کار آفرینان و سرمایه‌گذاران. -معافیت‌های مالیاتی کارفرمایی جهت جذب هرچه بیشتر قشر کارگر.
		فقر	فقر ناشـی از مشـکلات معیشـتی و اقتصـادی سـبب آسیب‌های جدی در زمینهٔ بروز خشونت در خانواده می شود که خود عامل مهمی در زمینهٔ طلاق است و باید به خانواده‌ها کمک کرد تا وضـعیت اقتصـادی خود را بهبود بخشند. زمانی که یک شخص، متأثر از مشکلات مالی نسبت به دیگران و دنیای اطراف خود خشـمگین می‌شـود، در واقع، توانایی مقابله با مشـکلات خود را ندارد و دیگران را مسـؤول آن می‌داند. چنانچه، مسـؤولیت‌پذیری میان افراد افزایش پیدا کند، آنگاه آن‌ها تلاش خواهند کرد درآمد خود را بهتر مدیریت کنند که همین امر منجر به کاهش مشکلات مالی این افراد نیز می شود. از سوی دیگر، زمانی که فرد خود را مسـؤول کسـب درآمد بداند، آنگاه برای مسـائل مالی و حتی انتخاب شـغل خود بهتر تصمیم می‌گیرد که همین امر، می‌تواند مشکلات مالی او را کاهش دهد و به تبع، خشونت و افسردگی ناشی از کمبود پول را در او به حداقل برساند.	-دسـترسـی متوازن خانواده‌ها به تسـهیلات بانکی. -حمـایـت بیشـتر نهـادهـای حمـایتی از خانواده‌های بی بضاعت. -راه اندازی مراکز تولیدی و کارگاهی تحت مدیریت مراکز و نهادهای حمایتی به جهت حمایت از اقشار کم درآمد و آسیب پذیر. - حذف و یا کاهش شـهریه های مختلف تحصیلی، دولتی و.... خانواده‌های کم بضاعت. -ارائهٔ خدمات رایگان بهداشـتی، درمانی و روانی به خانواده‌های بی بضـاعت با حمایت مستقیم دولت. -تمهید فعالیت‌های علمی، ورزشـی ، تفریحی و ... دولت با هزینه‌های پائین ویژه خانواده‌های کم بضاعت.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

		اعتیاد	الکل و مواد مخدر می‌تواند افراد را خشن نماید. گاهی اوقات، تمایل افراد به کسب قدرت شخصی، آنها را به قدرت پوشالی مواد مخدر و توهم‌زا می‌کشاند. تحقیقات جاری نشان می‌دهند که مرتکبین سوءرفتار، ممکن است از شخصی به شخص دیگر در جنبه‌های مهمی تفاوت داشته باشند؛ از جمله الگوی اعتیاد آنها، گسترهٔ خشونت غیرخانوادگی و نیز تعادل شخصیتی آن‌ها.	آموزش عمومی پیشگیری از اعتیاد. -حمایت از معتادان جهت ترک اعتیاد در مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت. -حمایت از خانواده‌های دارای سرپرست معتاد.
خشونت خانگی	اجتماعی	طلاق عاطفی	وجود زن و شوهر در این خانواده‌ها بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای به همدیگر و عدم اعتماد به هم از دلایل تأثیرگذاری هستند که منجر به پدیده‌ای جدید به نام طلاق عاطفی شده‌اند. به عبارت دیگر در بسیاری از موارد، به دلیل موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص طلاق آشکار نمی‌شود. در این نوع طلاق زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر ارتباط‌های بین آنها یا کاملا قطع شده است و یا بدون میل و رضایت است. زوجین مبتلا ممکن است سال‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط(حتی ارتباط کلامی) بهترین ایام عمر خود را تلف کنند و این پیامد می‌تواند در افزایش خشونت‌های خانوادگی تأثیرگذار باشد و فرزندان و والدین را درگیر نماید.	-ارائهٔ آموزش‌های رایگان به خانواده‌های دارای ناسازگاری زوجین. -ارائهٔ آموزش‌های کنترل خشم و مدیریت هیجان. -گسترش دامنهٔ فعالیت مراکز مشاوره کلانتری‌ها برای خانواده‌ها
		حاشیه نشینی	اغلب افرادی که ساکن حاشیهٔ شهرها یا آلونک‌نشین‌ها هستند، به امید بهبود شرایط زندگی و بقا از روستا و شهرهای دیگر به حاشیهٔ شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، ابتدا آلونکی برای خود تدارک می‌بینند و این آلونک‌ها به تدریج زمان به حاشیه‌های یک شهر بدل می‌شوند. دلیل عمدهٔ این امر فقر است، البته در مواردی هم جنگ، بلایای طبیعی و مشکلات اقلیمی دخیل بوده‌اند. این افراد با مهاجرت به حاشیهٔ شهرها، با فقدان تخصص‌های مورد نیاز در شهر و عملا ناکارآمدی مواجه می‌شوند و به ناچار در بیشتر موارد کارگر روزمزدی می‌شوند که نیاز به سرمایهٔ اولیه ندارد. اساسا خشونت علیه زن حاشیه‌نشین، خشونت	-مقابله و پیشگیری از حاشیه‌نشینی خانواده‌ها. -ارائهٔ امکانات سکونتی به بی‌خانمان‌ها.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

		حاشیه‌نشینی	نهفته اســـت. چرا؟ چون این زن در قیاس با زنی که در مرکز شــهر یا بالای شــهر در رفاه زندگی می‌کند، هیچ امتیازی ندارد، اگر دســـترســـی آن زنان مرکز و بالانشین را به امکانات بهداشتی و رفاهی صد بگیریم، به دســـترســـی زن حاشـــیه‌نشـــین حتی عدد یک هم نمی‌توانیم بدهیم.	
		مهاجرت	در صـورتی که خانواده‌ای مهاجرت نماید و در شـهر یا روســـتای جدید ســـکونت پیدا نماید، به دلیل اختلاف های فرهنگی، اجتماعی و... ثبات و تعادل خـانواده‌هـا بـه‌هم می‌خورد و مشـــکلات درون خانواده‌ای ایجاد خواهد شد که از آن جمله می‌توانیم به خشونت‌های درون خانواده اشاره نماییم.	-تقویت امکانات رفاهی، اجتماعی شـــهرها و روستاها به جهت پیشگیری از مهاجرت -سخت کردن قوانین مهاجرت
خشونت خانگی	فرهنگی	رسانه‌ها	مشاهدهٔ تصاویر خشونت آمیز، سبب بالا رفتن فشار خون، ضربان قلب و سریع‌تر شدن تنفس می شود. برخی بر این عقیده‌اند که این عکس‌العمل غیر واقعی، زمینه را فراهم می‌سـازد تا فرد خشـونت را در دنیای واقعی به کار گیرد. کما اینکه اکثر شـبکه های رسانه‌های ماهواره‌ای ترویج دهندهٔ خشونت خانگی هستند و لذا دسترسی به ماهواره و تماشای فیلم‌های خارجی می‌تواند نقش به ســـزائی در آموزش غیر مستقیم خشونت خانگی داشته باشد.	-استفاده از رسانه‌های گروهی مؤثر و مفید. -تقویت سواد رسانه‌های شهروندان -تقویت برنامه‌های صـدا و سـیما از طریق از بین بردن محتواهای بد آموز و آموزش ارتقاء کیفیت زندگی زناشوئی.
		ضعف دینداری	از آنجائی که دین مبین اسلام در آموزه‌های ارزشمند خود به کنترل خشونت پرداخته است، ولی بعضی از خانوارها به دلیل کم توجهی به دین و مسائل اعتقادی و مکتبی از این توصـیه‌ها فاصـله گرفته‌اند و حقوق متقابل مرد و زن را رعایت نمی‌کنند تا بدانجا که در منزل مسکونی، خشونت را بر همسران خود تحمیل می‌نمایند.	-تغییر روش‌های ارائهٔ مبانی دینی. -تلاش در جهـت افزایش جـذابیـت دین و دینداری. -برگزاری دوره‌های آموزشـــی جذاب دینی و اعتقادی به خانواده‌ها.
		تحصیلات	تحصـــیلات یکی از عوامل مهم در ادارهٔ زندگی و تربیت فرزندان می‌باشد. تحصیلات پائین یا بی سوادی زوجین و به ویژه مرد در خانواده تاثیر به سزائی در روابط فی مابین خواهد	-تلاش در جهت محو بی‌سوادی. -افزایش آگاهی های اجتماعی و فرهنگی از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

			داشت. معمولاً تحصیلات کم در عدم درک طرف مقابل، مشکلات فرهنگی خانواده و درگیری‌ها و به ویژه خشونت خانگی تأثیر دارد.	-تقویت فرهنگ زناشوئی در بین زوجین.
خشونت خانگی	فرهنگی	نا آشنائی نسبت به قوانین	از آنجائی که تحصیلات تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها بالا نمی‌باشد، به خصوص زنان، مدارک بالای تحصیلی ندارند و حتی آنانی که تحصیلات حداقلی دارند، نسبت به قوانین و حقوق خانواده آگاهی و اطلاعات مناسبی ندارند و قدرت مطالبه‌گری پائینی دارند. بنابراین، می‌توان گفت یکی از دلایل مهم و تأثیرگذار در امر خشونت خانگی خانواده‌ها ناآشنا بودن آنان به قوانین می‌باشد که در پی آن، اطلاعی از دفاع در برابر حقوق خود ندارند و لذا مورد خشونت‌های خانگی قرار می‌گیرند.	-آگاه‌سازی زنان و کودکان از قوانین خانواده. -آگاه‌سازی زنان و فرزندان از مراکز حمایتی خانواده. -ارائهٔ برنامه‌های فرهنگی مفید، مؤثر و سازنده به خانواده‌ها، در جهت اطلاع از حقوق شخصی زنان و کودکان از طریق رسانه‌ها. -تولیدات فرهنگی حقیقی مانند کتاب و.. و مجازی مانند پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌ها در جهت ارائهٔ آگاهی و پشتیبانی حقوقی رایگان به خانواده‌ها به ویژه زنان و کودکان.
		قومیت	از موارد مهم در بعد فرهنگی می‌توان به مسألهٔ قومیت اشاره نمود چرا که بعضی از اقوام به زن به چشم ابزار و وسیله‌ای در خدمت مردان نگاه می‌کنند و نهایت بهره‌کشی را از زنان دارند. به نظر می‌رسد در بعضی از اقوام، این مسأله ثابت شده است و زنان به خاطر جایگاه خود در خانوادهٔ این اقوام، قدرتی برای دفاع از خود نداشته‌اند و بیشتر تابع همسران خود و در واقع مردان می‌باشند و لذا خشونت خانگی بر علیه زنان در این اقوام امری تعریف شده و مشخص بوده است.	-گسترش اورژانس اجتماعی در حمایت از زنان و کودکان. -ارائهٔ آموزش‌های لازم در جهت برخورداری تساوی حقوق زن و مرد در مراکز بهداشت و هنگام آغاز زندگی.
		آداب و رسوم	آداب و رسوم، امری است که از دیر باز در خانواده‌های ایرانی بوده است و تا به حال ادامه دارد.طبق رسوم دیرینه زنها در زندگی مشترک حق اظهار نظر نداشته و در تملک مرد خود می باشند و حق هیچ اعتراضی را ندارند و لذا اعتراض و پیگیری حق و حقوق در این خانواده‌ها برای زنان مجاز نبوده و این مسئله راه را برای مردان باز گذاشته تا بتوانند با زنان هرگونه که می‌خواهندرفتار نمایند. طبیعی است که در هنگام بروز مشکلات و ناتوانی‌های مردان در	-الگوگیری از زندگی اهلبیت در اکرام و تکریم زنان و فرزندان. -آموزش تعالیم اسلامی به ویژه آیات دین مبین اسلام در جهت بزرگداشت مقام زن و نحوهٔ برخورد با زن در زندگی. معرفی کتاب‌های روانشناسی مفید برای زندگی به جهت اصلاح باورهای غلط در زندگی زناشوئی.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

			اداره زندگی و یا به عناوین مختلف، آداب و رسوم غلط، این راه را برای خشونت خانگی بازگذاشته است.	

نتایج کدگذاری، نشان داد عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی شامل عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی از قبیل درآمد مردان، درآمد زنان، عدم اشتغال زنان، اسراف و تبذیر، مالکیت منزل مسکونی، مصرف‌گرائی، حاشیه‌نشینی، مهاجرت، طلاق عاطفی، اعتیاد، فقر، بیکاری ، رسانه‌ها، قومیت، آداب و رسوم، تحصیلات، ضعف دینداری وناآشنائی نسبت به قوانین بود. مؤلفه‌ها ۱۸ مورد و شاخص‌ها نیز ۱۷٤ مورد می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی در شهر بیرجند بود. داده‌های این پژوهش با استفاده از انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نخبگان علمی و عملیاتی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی و همسران آسیب دیدهٔ خشونت خانگی به دست آمد.

طبق کدگذاری انجام شده ، عوامل مؤثر بر خشونت خانگی به این شرح، شناسائی گردیدند؛ فقدان درآمد مردان، ناکافی بودن درآمد مردان، نبود درآمد زنان، عدم تمایل زنان به داشتن درآمد، ناکافی بودن درآمد زنان سرپرست خانوار، ناتوان بودن زنان برای کارکردن، ریخت و پاش در خرید های غیرضروری زندگی، اسراف در خوراک، پوشاک اعضای خانواده، اسراف در استفاده از وسایل سرمایه‌ای زندگی، نداشتن مسکن ملکی مستقل، عدم توانائی پرداخت اجاره بها، اسیر تجملات زندگی بودن، چشم و هم چشمی با دیگران، خریدهای غیر مفید، مصرف بیش از اندازه خوراک و پوشاک، نبود شغل مناسب برای مردان، سختی شغلی مشاغل در دسترس، دریافتی کم، هزینه‌های بالای زندگی، کاهش درآمد برابر هزینه‌ها، فشارهای شدید مالی، آلوده بودن به مواد مخدر، وجود دوستان ناباب، کمبود ارادهٔ ترک اعتیاد، فراوانی مواد مخدر در دسترس، عدم موفقیت در ترک اعتیاد، نبود درک متقابل در زندگی زناشوئی، عدم تفاهم زوجین، کمبود محبت و عاطفه بین اعضای خانواده، نبود امنیت در سکونت‌گاه‌ها، بی‌امکاناتی محل زندگی، ناآشنابودن به فرهنگ شهر جدید محل سکونت، در دسترس بودن رسانه‌های بیگانه و معاند، اسیر فضای مجازی بودن، بی سوادی، فقر فرهنگی، تحصیلات پائین، ضعف اعتقادات، ضعف مطالبه‌گری قضائی، ناآگاهی

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

نسبت به قوانین و حقوق شخصی و خانوادگی، تعصبات قومی، باورهای غلط و مراسمات نادرست و باطل.

قابل ذکر است که نتایج حاصل شده در این بخش تحقیق با نتایج تحقیقات یاری نسب و همکاران (۱۴۰۱)، رحیمی و شاکری(۱۳۹۷)، زارع زاده و همکاران (۱۳۹۶)، جانسون و استیلیانو(۲۰۲۱)، هاگو و همکاران(۲۰۲۲) و پترسون و اک (۲۰۱۸) هم‌سو و هم جهت می‌باشد

طبق مصاحبه‌هایی که انجام شد، و بر اساس دریافت مشروح نظرات نخبگان و همسران آسیب دیده از خشونت خانگی و باتوجه به کدگذاری مفاهیم، سه بعد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان ابعاد مؤثر بر افزایش خشونت خانگی، شناسائی گردیدند، بنابراین، نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات رحیمی و شاکری (۱۳۹۷) و زارع زاده و همکاران (۱۳۹۶) همسو و هم جهت می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، درآمد مردان یکی از عوامل اقتصادی مهم و اثرگذار در خشونت خانگی می‌باشد، به این صورت که درآمد کم مردان باعث فشارهای اقتصادی در زندگی می‌شود و در نهایت منجر به ناسازگاری زوجین می‌شود و به دلیل عدم تسلط مردان به زندگی، خشونت خانگی در محیط خانه به همراه خواهد داشت.

در بعضی از خانوارها، به دلیل عدم توانائی جسمانی، روانی و عدم تمایل مردان، زنان به سرکار می‌روند و نان‌آور خانه می‌شوند، در صورتی که ممکن است بعد مدتی زن‌ها خسته شوند و توانائی سرکار رفتن نداشته باشند یا درآمد شان برای ادارهٔ زندگی ناکافی باشد به خصوص در خانواده هایی که مرد معتاد دارند، درگیری، دعوا، نزاع و خشونت خانگی بالا خواهد رفت.

بعضی از مردان به دلیل عدم توانایی در ادارهٔ زندگی نیاز به کمک خرج دارند که زنان، در این خصوص همکاری نمی‌کنند و توان کار کردن ندارند و این مسائل، مشکلات و درگیری به همراه خواهد داشت و در نهایت خشونت خانگی را افزایش خواهد داد.

اسراف و تبذیر در زندگی مشترک از طرف یکی از زوجین و با مخالفت زوج دیگر از علت‌های خشونت و درگیری در خانواده است که در صورت عدم رعایت یکی از زوجین در امر اسراف و تبذیر ممکن است به مذاق دیگری خوش نیاید و درگیری و ناسازگاری زوجین بر اساس این عامل شروع شود و ادامه یابد، کما اینکه مواردی بوده که خشونت‌ها به علت همین امر بوده است.

از آنجائی که تورم در سال‌های اخیر رشد بالائی داشته است، خانواده‌هایی که دارای منزل مسکونی برای خود نبودند و مستأجر بوده‌اند، از این ناحیه ضربه خوردند و فشارهای مضاعفی را

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

تحمل نموده‌اند. خانواده‌هایی که فاقد منزل مسکونی در این شهر بوده‌اند، به علت افزایش اجاره بها توان اجاره را ندارند و در صورت فشارهای وارده با زوج خود دچار مشکلات می‌شوند و درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به خشونت منتهی می‌شود.

در سالیان اخیر، میزان مصرف‌گرایی و اسراف و تجملات در جامعه رشد بی رویه داشته است و حاکم شدن این فرهنگ، حیات سالم بسیاری از خانواده‌ها را در معرض خطر قرار داده است. انسان‌ها زیبایی را دوست دارند، به زیبایی خود و محیط زندگی و کار اهمیت می‌دهند، اما این توجه زمانی که از حد تعادل خارج شود و وضعیتی وسواس و بیمارگونه پیدا کند، به عاملی خطرساز برای آرامش روحی و اجتماعی تبدیل می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد مصرف‌گرایی یکی از زوجین یا هردوی آنها عاملی برای خشونت خانگی و نزاع بین زوجین می‌باشد .

بیکاری مرد و زن در خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل درگیری، عدم سازش و خشونت خانگی است. چرا که در صورت بیکاری زوجین به خصوص مردان در زندگی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی دو چندان می‌شود و خانواده‌ها از پس مخارج هنگفت زندگی برنمی‌آیند و در نهایت مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری، خشونت بین زوجین و اعضای خانواده را به دنبال خواهد داشت.

فقر ناشی از مشکلات معیشتی و اقتصادی سبب آسیب‌های جدی در زمینهٔ بروز خشونت در خانواده می‌شود که خود عامل مهمی در زمینهٔ طلاق است و باید به خانواده‌ها کمک کرد، تا وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند.زمانی که یک شخص، متأثر از مشکلات مالی نسبت به دیگران و دنیای اطراف خود خشمگین می‌شود در واقع، توانایی مقابله با مشکلات خود را ندارد و دیگران را مسؤول آن می‌داند. چنانچه مسؤولیت‌پذیری میان افراد افزایش پیدا کند، آنگاه آن‌ها تلاش خواهند کرد درآمد خود را بهتر مدیریت کنند که همین امر منجر به کاهش مشکلات مالی این افراد نیز می‌شود. از سوی دیگر، زمانی که فرد خود را مسؤول کسب درآمد بداند، آنگاه برای مسائل مالی و حتی انتخاب شغل خود بهتر تصمیم می‌گیرد که همین امر، می‌تواند مشکلات مالی او را کاهش دهد و به تبع، خشونت و افسردگی ناشی از کمبود پول را در او به حداقل برساند.

الکل و مواد مخدر می‌تواند افراد را خشن نماید. گاهی اوقات، تمایل افراد به کسب قدرت شخصی، آنها را به قدرت پوشالی مواد مخدر و توهم‌زا می‌کشاند. تحقیقات جاری نشان می‌دهند که مرتکبین سوءرفتار ممکن است از شخصی به شخص دیگر در جنبه‌های مهمی تفاوت داشته باشند؛ از جمله الگوی اعتیاد آنها، گسترهٔ خشونت غیرخانوادگی و نیز تعادل شخصیتی آن‌ها.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

وجود زن و شوهر در این خانواده‌ها بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای به همدیگر و عدم اعتماد به هم از دلایل تأثیرگذاری هستند که منجر به پدیده‌ای جدید به نام طلاق عاطفی شده‌اند.. به عبارت دیگر در بسیاری از موارد به دلیل موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص طلاق آشکار نمی‌شود. در این نوع طلاق، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر ارتباط‌های بین آن‌ها یا کاملا قطع می‌شود و یا بدون میل و رضایت است. زوجین مبتلا ممکن است سال‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط کلامی) بهترین ایام عمر خود را تلف کنند و این پیامد می‌تواند در افزایش خشونت‌های خانوادگی تأثیرگذار باشد و فرزندان و والدین را درگیر نماید.

اغلب افرادی که ساکن حاشیهٔ شهرها یا آلونک‌نشین‌ها هستند، به امید بهبود شرایط زندگی و بقا از روستا و شهرهای دیگر به حاشیهٔ شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، ابتدا آلونکی برای خود تدارک می‌بینند و این آلونک‌ها به مرور زمان به حاشیه‌های یک شهر بدل می‌شوند. دلیل عمدهٔ این امر، فقر است، البته در مواردی هم جنگ، بلایای طبیعی و مشکلات اقلیمی دخیل بوده‌اند. این افراد با مهاجرت به حاشیهٔ شهرها، با فقدان تخصص‌های مورد نیاز در شهر و عملا ناکارآمدی مواجه می‌شوند و به ناچار در بیشتر موارد، کارگر روزمزدی می‌شوند که نیاز به سرمایهٔ اولیه ندارد. اساسا خشونت علیه زن حاشیه‌نشین، خشونت نهفته است. چرا؟ چون این زن در قیاس با زنی که در مرکز شهر یا بالای شهر در رفاه زندگی می‌کند، هیچ امتیازی ندارد، اگر دسترسی آن زنان مرکز و بالانشین را به امکانات بهداشتی و رفاهی صد بگیریم، به دسترسی زن حاشیه‌نشین حتی عدد یک هم نمی‌توانیم بدهیم.

در صورتی که خانواده‌ای مهاجرت نماید و در شهر یا روستای جدید سکونت پیدا نماید به دلیل اختلاف های فرهنگی، اجتماعی و... ثبات و تعادل خانواده‌ها بهم می‌خورد و مشکلات درون خانواده‌ای ایجاد خواهد شد که از آن جمله می‌توانیم به خشونت‌های درون خانواده اشاره نماییم.

مشاهدهٔ تصاویر خشونت آمیز سبب بالا رفتن فشار خون، ضربان قلب و سریع‌تر شدن تنفس می‌شود. برخی بر این عقیده‌اند که این عکس‌العمل غیر واقعی، زمینه را فراهم می‌سازد تا فرد خشونت را در دنیای واقعی به کار گیرد. کما اینکه اکثر شبکه‌های رسانه‌های ماهواره‌ای ترویج دهندهٔ خشونت خانگی هستند و لذا دسترسی به ماهواره و تماشای فیلم‌های خارجی می‌تواند نقش به سزائی در آموزش غیر مستقیم خشونت خانگی داشته باشد .

از آنجائی که دین مبین اسلام در آموزه‌های ارزشمند خود به کنترل خشونت پرداخته است ولی بعضی از خانوارها به دلیل کم توجهی به دین و مسائل اعتقادی و مکتبی از این توصیه‌ها

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

فاصـــله می‌گیرند و حقوق متقابل مرد و زن را رعایت نمی‌کنند، تا انجا که در منزل مســـکونی، خشونت را بر همسران خود تحمیل می‌نمایند.

تحـصیلات، یکی از عوامل مهم در ادارهٔ زندگی و تربیت فرزندان می‌با شد. تحـصیلات پائین یا بی سوادی زوجین و به ویژه مرد در خانواده تأثیر به سزائی در روابط بین آن‌ها خواهد دا شت. معمولاً تحصـــیلات کم در عدم درک طرف مقابل، مشـــکلات فرهنگی خانواده و درگیری ها و به ویژه خشونت خانگی تأثیر دارد.

از آنجائی که تحصـــیلات تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها بالا نمی‌باشـــد، به خصـــوص زنان مدارک بالای تحصیلی ندارند و حتی آنانی که تحصیلات حداقلی دارند، نسبت به قوانین و حقوق خانواده آگاهی و اطلاعات مناسبی ندارند و قدرت مطالبه‌گری پائینی دارند، بنابراین، می‌توان گفت یکی از دلایل مهم و تأثیرگذار در امر خشـــونت خانگی خانواده‌ها و ناآشـــنابودن آنان به قوانین می‌باشـــد که در پی آن اطلاعی از دفاع در برابر حقوق خود ندارند و مورد خشـــونت های خانگی قرار می‌گیرند.

از موارد مهم در بعد فرهنگی می‌توان به مسألهٔ قومیت ا شاره نمود چرا که بعضی از اقوام به زن به چشم ابزار و وسیله‌ای در خدمت مردان نگاه می‌کنند و نهایت بهره‌کشی را از زنان دارند، به نظر می‌رسد در بعضی از اقوام این مسأله ثابت شده است و زنان به خاطر جایگاه خود در خانوادهٔ این اقوام، قدرتی برای دفاع از خود نداشته‌اند و بیشتر تابع همسران خود و در واقع مردان می‌باشند و لذا خشونت خانگی بر علیه زنان در این اقوام، امری تعریف شده و مشخص بوده است. آداب و رسوم، امری است که از دیر باز در خانواده‌های ایرانی بوده است و تا به حال ادامه دارد .

طبق ر سوم دیرینه، زن‌ها در زندگی مشترک حق اظهار نظر ندا شته‌اند و در تملک مرد خود می باشـــند و حق هیچ اعتراضـــی را ندارند و بنابراین، اعتراض و پیگیری حق و حقوق در این خانواده‌ها برای زنان مجاز نبوده است و این مسأله راه را برای مردان باز گذاشته است تا بتوانند با زنان هرگونه که می‌خواهند رفتار نمایند. طبیعی اســت که در هنگام بروز مشــکلات و ناتوانی‌های مردان در ادارهٔ زندگی و یا به عناوین مختلف، آداب و رســـوم غلط، این راه را برای خشـــونت خانگی بازگذاشته است.

بر اســـاس نظریهٔ ناســـازگاری پایگاهی، اگر شـــوهران مهارت‌ها و منابع کمتری نســـبت به همسران‌شان داشته باشند، به طوری که همسران‌شان پایگاه انتسابی آنها را تهدید کنند، از خشونت همچون ابزاری برای حفظ پایگاه انتسابی خود استفاده می‌کنند.. خشونت شوهران بر ضد زنان در

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

خانواده در همهٔ طبقات اقتصادی واجتماعی وجود دارد و این هنگامی است که تفاوتی پایگاهی از نظر آموزش، درآمد و شغل بین زوجین وجود داشته باشد و شوهران از نظر تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی در سطح پائین‌تری از همسران‌شان قرارگیرند. با عنایت به کدگذاری باز از مصاحبه‌های صورت گرفته، مؤلفه‌های ابعاد مؤثر بر خشونت خانگی شامل درآمد مردان، درآمد زنان، عدم اشتغال زنان، اسراف و تبذیر، مالکیت منزل مسکونی، مصرف‌گرائی، حاشیه‌نشینی، مهاجرت، طلاق عاطفی، اعتیاد، فقر، بیکاری، رسانه‌ها، قومیت، آداب و رسوم، تحصیلات، ضعف دینداری و ناآشنائی نسبت به قوانین بود.

نظریهٔ یادگیری اجتماعی بیان می‌کند نه انگیزه‌های فطری معطوف به خشونت و نه سائق‌های تحریک شدهٔ ناشی از ناکامی، ریشهٔپرخاشگری انسان است؛ بلکه انسان‌ها به دلایل زیر به یکدیگر، پرخاش می‌کنند: از تجربیات گذشته، واکنش‌های پرخاشگری را یاد گرفته‌اند؛ برای انجام اعمال پرخاشگرانه انتظار پاداش گوناگون داشته‌اند یا به دست می‌آورند؛ شرایط اجتماعی خاصی آنها را به‌سمت پرخاشگری سوق می‌دهد. بارون[1] معتقد است که بروز رفتار پرخاشگرانه در یک موقعیت خاص به عوامل مختلفی نظیر تجربه‌های گذشته، پاداش‌هایی که در زمان گذشته و یا حال نصیب او می‌شود و ارزش‌ها و نگرش‌هایی که اندیشهٔ مربوط به مناسب بودن و اثرات بالقوهٔ چنین رفتاری را در این شخص شکل می‌دهند، بستگی دارد. از دیگر عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌توان به عوامل اجتماعی (ناکامی، تهییج)، عوامل فرهنگی (فرهنگ افتخار)، عوامل شخصی (نوع A ، خود شیفتگی، احساس‌جویی و تفاوت‌های جنسی)، عوامل موقعیتی (اثرات دمای بالا و مصرف الکل) اشاره نمود.

بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده، مواردی برای ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زیر پیشنهاد می‌گردد.

اقتصادی: حمایت دولت از بازارهای صنایع دستی و رونق این مشاغل به واسطهٔ بکارگیری زنان، افزایش حمایت‌های دولتی از اقشار آسیب‌پذیر در جهت تقویت یارانه‌های پرداختی. استفاده از ظرفیت رسانه‌های دیداری و شنیداری (تلویزیون، فضای مجازی، کتاب و...) در جهت پیشگیری از مصرف‌گرائی و اسراف. برنامه‌ریزی جهت توسعهٔ مسکن ارزان و مناسب با اولویت خانواده‌های فاقد مسکن شخصی با طرح هایی مانند اجاره به شرط تملیک. همکاری نهادهای حمایتی(کمیتهٔ

[1] .Baron

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

امداد، بهزیستی و...) با بنیاد مسکن در جهت ساخت واحدهای مسکونی برای خانواده‌های بدون مسکن. آموزش خانواده‌ها با استفاده از ظرفیت مدارس درجهت نکوهش تجمل‌گرائی.

فرهنگی: اصلاح آداب و رسوم نادرست با استفاده از رسانه‌های جمعی و استانی. ترویج آزادی انتخاب همسر دختران در قومیت‌های مختلف با استفاده از آیات و روایات. پیشگیری از تعصبات قومیتی نادرست درازدواج‌ها با استفاده از روش‌های علمی و کارآمد. آموزش حقوق خانه و خانواده به اعضای خانواده‌ها. ایجاد مشوق‌ها و اهرم‌های انگیزشی قوی برای آموزش افراد بی سواد. استفاده از ظرفیت مساجد و مبلغین در جهت جهاد فرهنگی برای خانواده‌های آسیب دیده فرهنگی. آموزش سواد رسانه‌ای به اعضای خانواده‌ها.

اجتماعی: بکارگیری معتادان بهبود یافته در مشاغل مختلف و تلاش برای حل مشکل اشتغال آنان. به جهت اینکه کمبود امکانات لازم برای ارضای نیازهای طبیعی، روانی و اجتماعی موجب گرایش مجدد آنان به کسب لذت و تفنن از طریق مواد و عضویت در گروه‌های ناسالم می شود، بنابراین، مشغولیت آنان یکی از بهترین راه‌های جلوگیری از گرایش مجدد به اعتیاد و سپس جرائم به ویژه سرقت خواهد بود .حمایت‌های بیمه‌ای دولت از معتادان به جهت تشویق در ترک اعتیاد و خانواده‌هایی که دارای سرپرست معتاد می‌باشند. استفاده از ظرفیت خیرین شهر بیرجند از افراد بیکار در جهت کارآفرینی و ایجاد شغل. ایجاد مراکز ترک اعتیاد مجهز و دولتی برای خانواده‌های بی‌بضاعت و دارای عضو معتاد. ارائهٔ خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناسی رایگان به خانواده‌های آسیب دیده از اعتیاد. اعمال قوانین بازدارنده در جهت مبارزه با استعمال، خرید، فروش و نگهداری مواد مخدر. آموزش همسرداری و فرزندداری صحیح و مناسب به زوجین قبل از ازدواج. تهیهٔ فیلم‌های مختلف سینمایی، سریال‌ها، تیزرهای آموزشی و... با هدف افزایش اطلاعات در زمینهٔ پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی توسط فرماندهی انتظامی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما.

منابع

۱. برخوری مهنی، سیما (۱۳۸۹) «**حمایت از زنان بزه دیدهٔ خشونت خانگی**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. بهزیستی و معاونت فرهنگی اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی (۱۴۰۱) مصاحبه با مسؤولین سازمان‌ها.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

۳. پورنقاش تهرانی، سعید و زهرا قلندر زاده (۱۳۹۷) «بررسی ارتباط بین خشونت‌های خانوادگی و تبعات روانی آن با اختلال شخصیت مرزی و سوء مصرف الکل»، **علوم روان‌شناختی**، ۱۷ (٦٧) :٣٤٤-٣٣٧.

٤. ترکاشوند، فاطمه؛ رضاییان، محسن؛ شیخ فتح اللهی، محمود؛ مهرابیان، میلاد؛ بیدکی ر ضاو بهشید گرو سی (۱۳۹۲) «برر سی فراوانی انواع خ شونت خانگی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی، درمانی شهرستان رفسنجان در سال ۱۳۹۱»، **دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان**،۱۲ (۹) :۷۰۸-٦٩٥.

۵. رحیمی، پوریا و رویا شاکری (۱۳۹٦) «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع-درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان باالی ۱۵سال شهر سنندج)»، **دانش انتظامی کردستان**، ۹(۳۵): ۱۰۱-۱۳۲.

٦. رمضانخانی، علی؛ الحانی، فاطمه؛ ودادهیر، ابوعلی و فاطمه محمدخواه (۱٤۰۰). «پیامدهای خشونت نوجوانان: مطالعهٔ کیفی تحلیل محتوا در شهر رودسر»، **اپیدمیولوژی ایران**، ۱۷(۱): ٦٨-٧٦.

۷. زارع‌زاده، اردشیر و توکل آقایاری‌هیر (۱۳۹٦) «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع-درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال‌شهرتبریز)»، **دانش‌انتظامی‌آذربایجان شرقی**،۷ (۲٦): ۱۱۵-۱٦۲.

۸. شوکتیان، مریم؛ شوکتیان، رسول و ملکه وفادوست (۱٤۰۱) «آسیب اجتماعی خشونت خانگی؛ نظریه ها و عوامل مؤثر بر آن»، **اولین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی**، ترکیه: ازمیر.

۹. عبدالله‌زاده مینایی، ماه گل (۱۳۹۰) «**تأثیر سرمایهٔ نمادین خانواده بر خشونت خانگی**»، پایان‌نامهٔ کار شناسی ارشد در رشتهٔ مطالعات زنان و خانواده، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۰. فیض اللهی، علی (۱٤۰۱) «مطالعهٔ جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: شهر ایلام)، **زن در توسعه و سیاست**، ۷۸(۲۰)، ۵۳۱-۵۵٦.

۱۱. کاظمی، زهرا و قاسم قاسمی (۱٤۰۲) «عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی شهرستان کرج)، **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی**، ۱۱(۲۱): ۱۳۱-۱٦۳.

۱۲. مرادی، آرزو و شایسته چارداولی۱٤۰۱) «پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی در زنان خانه‌دار»، **مطالعات اسلامی ایرانی خانواده**، ۱(۳): ۹٦-۱۰۵.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

۱۳. منیر، محمد داوود؛ بادغیسی، و سیمه؛ صالحی عبدالکریمی، کاوه و احمد علی (۱۳۸۸) **خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابلهٔ با آن**، تهران: شبکهٔ جامعهٔ مدنی و حقوق بشر.

۱٤. یاری نســـب، فاطمه و کامروز امینی (۱٤۰۱) «بررســـی رابطهٔ مهارت‌های ارتباطی بر خشونت خانگی در زنان» **مجله پزشکی قانونی ایران**، ۲۷(٤): ۲٤٦-۲۵۳.

15. Bandara, P., Page, A., Senarathna, L., Kidger, J., Feder, G., Gunnell, D., & Knipe, D. (2022) «Domestic violence and self-poisoning in Sri Lanka», **Psychological medicine**, 52(6), 1183-1191.

16. Bayrami, R., & Vafaee Najar, A. (2020) «The Factors Contributing to Domestic Violence from the Perspective of Iranian Couples: A Qualitative Study», **Journal of Qualitative Research in Health Sciences**, 9(2), 133-144.

17. Dastjerdehei, R. K., Khosravi, B., Manesh, N. I., Mohammadi, M., Bahabadi, H. S., & Tosanloob, M. P. (2020) «Factors affecting domestic violence: a qualitative study». **Journal of Social Behavior and Community Health.**

18. Ghlaas, E. G. (1995) «Increased risk of miscarriage among women experiencing physical or sexual intimate partner violence during pregnancy in Guatemala City, Guatemala: cross-sectional study», **BMC pregnancy and childbirth**, 11(1), 49.

19. Ghlaz, M. S., Shtravs, S. (1979) «Factors associated with intimate partner violence against married women in Nepal». **Journal of interpersonal violence**, 30(7), 1226-1246.

20. Haque, M. A., Choudhury, N., Ahmed, S. T., Farzana, F. D., Ali, M., Rahman, S. S., & Ahmed, T. (2022) «Factors associated with domestic violence in rural Bangladesh». **Journal of interpersonal violenc**e, 37(3-4), 1248-1269.

21. Harris, J. (2020) **Violence and responsibility**. Routledge.

22. Johnson, L., Stylianou, A. M. (2021) «Coordinated community responses to domestic violence: A systematic review of the literature. Trauma», **Violence, & Abuse**, 23(2), 506-522.

23. Pettersson, T., & Eck, K. (2018) «Organized violence, 1989–2017», **Journal of Peace Research**, 55(4), 535-547.

24. Lanchimba C, Díaz-Sánchez JP and Velasco F (2023) «Exploring factors influencing domestic violence: a comprehensive study on intrafamily dynamics. Front». **Psychiatry** 14:1243558.
doi: 10.3389/fpsyt.2023.1243558

25. Rahnavardi, M., Shayan, A., Babaei, M., Khalesi, Z. B., Havasian, M. R., & Ahmadi, M. (2017) «Investigating types and causes of domestic violence against women and identifying strategies to deal with it from the perspective of victims». **Research Journal of Pharmacy and Technology**, 10(10), 3637-3642.

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]

26. Torres, A., Navarro, P., García-Esteve, L., Tarragona, M. J., Ascaso, C., Herreras, Z., & Martín-Santos, R. (2010) «Detecting domestic violence: Spanish external validation of the index of spouse abuse». **Journal of Family Violence**, 25(3), 275-286.

۲۷. عرب‌نژاد، علی، «خشونت خانگی بالاترین آسیب در خراسان جنوبی»، خبرگزاری مهر، بیست و یکم آذر ماه ۱۳۹۷ (کد خبر ٤٤٨٢٩٧٣).

https://www.mehrnews.com/news/4482973 /

۲۸. مهدی‌زاده، فرزانه، «آمار خشونت خانگی در سال ۱٤۰۰»، پایگاه تحلیلی خبری انتخاب در مصاحبه ۲۵خرداد۱٤۰۱. https://www.entekhab.ir/002rd.2

[Downloaded from journals.sabz.ac.ir on 2025-11-04]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.62]